

## بررسی نوع و عوامل خشونت خانگی علیه زنان در بین قبایل ترکمن استان گلستان

دکتر عبدالوهاب پورقاز\* و دکتر مهوش رقیبی\*

### چکیده

انسان طی قرن‌ها از خشونت آسیب دیده و تحقیر شده است. خشونت پنهان و آشکار علیه زنان و اشکال مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این خشونت‌ها که بخشی ریشه در فرهنگ و سنت دارد و بخشی حاصل تداوم تبعیض علیه زنان در ساختار حقوقی، اقتصادی و سیاسی جامعه است. نظر بر این است که شاید تداوم خشونت در ساختارهای غیر فرهنگی نیز خود برآیندی از ساختار فرهنگی است که مردم و جامعه را به جای آنکه بر آشوبند و ادار به پذیرش این اشکال از خشونت می‌کند. نه فقط در ایران بلکه در پیشرفته ترین کشورهای جهان، زنان و کودکان از تبعات و عوارض ناشی از خشونت، به خصوص در زندگی خانوادگی، رنج می‌برند و آزارهای جسمی و جنسی و روانی نه تنها تندرستی، سلامت تحمل، تعادل عاطفی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد بلکه دولت‌ها را با مشکلات گوناگون اقتصادی، فرهنگی و خدماتی درگیر می‌کند. هدف از این تحقیق بررسی نوع و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان و همچنین ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش این خشونت می‌باشد.

روش مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی - پیمایش است. جامعه آماری تحقیق را کلیه خانم‌های متأهل قبایل ترکمن استان گلستان تشکیل می‌دهد. نمونه مورد نیاز پژوهش که شامل ۴۰۰ نفر می‌باشد با روش خوشه‌ای و طبقه‌ای - تصادفی از ۴ شهر و ۱۲ روستای استان گلستان انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق، پرسشنامه بسته پاسخ محقق ساخته (مقیاس درجه بندی) براساس طیف لیکرت (۴ گزینه‌ای) می‌باشد. پرسشنامه فرم ۱ جهت مشخص کردن انواع خشونت‌های رایج و پرسشنامه فرم ۲ جهت بررسی عوامل مؤثر بر خشونت مردان علیه زنان مورد استفاد قرار گرفت.

برای اطمینان از مفید و مناسب بودن پرسشنامه از روایی محتوایی و دقت پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضریب پایایی پرسشنامه فرم ۱ برابر با  $\alpha = 0.746$  و پرسشنامه فرم ۲ برابر با  $\alpha = 0.813$  بود. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از دو روش آماری، آمار توصیفی جهت توصیف داده‌ها (محاسبه فراوانی، درصد، تنظیم جداول و نمودار) و آمار استنباطی خی<sup>۲</sup> ( $X^2$ ) تک متغیره و چند متغیره جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده گردید.

\* استادیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

\* استادیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

## مقدمه

تا حدود دو دهه قبل، گمان می رفت که خانواده، به سبب وجود روابط صمیمی، محبت آمیز و عواطف، بهترین مکان برای زندگی بزرگسالان و بهترین مکان برای رشد و شکوفایی عاطفی و جسمانی کودکان و نوجوانان است. با آنکه از وجود بد رفتاری و خشونت در خانواده آگاهی‌هایی بدست آمده بود، معمولاً گمان می بردند که محدودی از خانواده‌ها، بخصوص آنها که مشکلات مادی دارند و از نظر فرهنگی در سطح پایینی هستند یا آنها که در شرایط بحرانی مانند طلاق و جدایی قرار دارند، به بد رفتاری با اعضای خانواده خود دست می زنند. در سال ۱۹۶۲، هنری کمپ<sup>۱</sup> در مقاله ای با نام «سندروم کودک کتک خورده»<sup>۲</sup> کودکانی را توصیف کرد که تحت بدرفتاری و خشونت خانوادگی قرار داشتند. این مقاله سرآغاز سلسله بررسی‌های خشونت در خانواده شد، اما چند سال طول کشید تا به شکل منظمی تدوین شود. در اواخر دهه ۶۰ و در اوایل دهه ۷۰ میلادی، محققان نگاه خود را متوجه روابط واقعی درون خانواده، با تاکید بر چگونگی اعمال خشونت خانوادگی کردند. با کمال تعجب، نتایج تحقیقات مشخص کرد که بر خلاف تصورات رایج، تنها خانواده‌های «مسئله دار» با کودکان با خشونت رفتار نمی کنند بلکه خانواده‌هایی که به ظاهر معمولی یا مطلوب هستند هم نسبت به اعضای خانواده خود بد رفتارند. اعمال خشونت در خانواده، با عواملی مانند سطح درآمد، میزان سواد و چگونگی تقسیم نقش در خانواده رابطه مشخصی ندارد.

بررسی خشونت در خانواده با اعمال خشونت فیزیکی (بدنی) نسبت به کودکان شروع شد، اما بزودی زنانی را که از همسران خود کتک می خوردند نیز در بر گرفت و روشن شد که این پدیده نیز در میان تمام قشرهای جامعه به چشم می خورد. پس از خشونت‌های فیزیکی نگاه محققان متوجه اعمال خشونت‌های روانی نسبت به اعضای خانواده شد. نتایج خشونت روانی، بر خلاف خشونت فیزیکی، از نظر جسمانی قابل رویت نیست و به همین

۱- Henry Kempe

۲- Battered Child Syndrom

دلیل، بررسی آن مشکل تر است. تحقیقات بعدی بر پیدچیده ترین مبحث خشونت در خانواده، یعنی تجاوز و سوء استفاده های جنسی از زنان و کودکان متمرکز شد، مسئله ای که تا آن زمان هرگز به آن توجه نشده بود و جزو یکی از ممنوع ترین روابط خانوادگی به شمار می رفت (بروگس / گروث / هالم استرم، سگروی<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸، کیپر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴، پیتی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹، پوگرین<sup>۶</sup>، ۱۹۸۱).

خشونت خانوادگی که از طرف بزرگسالان یا مردان اعمال می گردد، باید تحت نظر و دقت بیشتری قرار گیرد، زیرا در محدوده خانواده، همیشه خشونت از جانب فرد قدرتمند (قدرت بدنی، اقتصادی، اجتماعی) بر فرد بی قدرت یا کم قدرت اعمال می شود. در این حالت، قربانی به دلیل ضعف جسمانی یا ضعف اقتصادی و اجتماعی، در موقعیت وابستگی به فرد قدرتمند قرار دارد و از آنجا که در اکثر موارد از حقوق انسانی - اجتماعی خود آگاهی ندارد، قادر به پایان بخشیدن به این شرایط نیست و در مواردی که سعی می کند به مقاومت و دفاع از خود بپردازد، چون پشتیبانی ندارد، شرایط زندگی را برای خود سخت تر می سازد. قربانیان خشونت خانوادگی به شدت محتاج کمک و پشتیبانی جامعه - دولت، نهادها و سازمانهای گوناگون هستند تا از شرایط سخت زندگی خود رهایی یابند (پلت فورم گیگن دای گیوالت، ۱۹۹۴)<sup>۷</sup>. فعالیت ها و کوشش هایی که در زمینه مطرح کردن خشونت خانوادگی در جامعه انجام شده، دگرگونیهایی در نگرش اجتماعی به وجود آورده است. اگر در سال ۱۹۷۶، تنها ۱۰٪ از آمریکاییان این پدیده را در جامعه خود مهم تلقی می کردند، در سال ۱۹۸۳، ۹۰٪ آنها به نگرش فوق رسیده بودند (شفر، ۱۹۸۹، ۲۲۷)<sup>۸</sup>. بررسی ها نشان داده اند اکثر زنها به دلایل متعدد چون خجالت، ترس و ... شرایط خشونت آمیز زندگی و کتک خوردن از شوهر را بروز نمی دهند. و اغلب آنها

<sup>۳</sup>- Burgess/Groth/Holmstorm, Sgroi, ۱۹۷۸

<sup>۴</sup>- Kipper, ۱۹۹۴

<sup>۵</sup>- Petei, ۱۹۸۹

<sup>۶</sup>- Pogerin, ۱۹۸۱

<sup>۷</sup>- Plattform Gegen Die Gewalt

<sup>۸</sup>- schaeffer

خشونت شوهر را طبیعی تصور می کنند ، و عده ای دیگر معتقدند کسی حرف آنها را باور نمی کند.

یکی از نکاتی که در تحقیقات این رشته همواره مورد نظر بوده بدست آوردن ویژگیهای مشترک زنانی است که مورد خشونت واقع شده اند زیرا ، گمان بر این بود که این زنها ویژگیهای شخصیتی خاصی دارند ، مثلاً اعتماد به نفس کمتری دارند ، یا تقسیم نقش سنتی در خانواده شان حاکم است ، اما نتایج تحقیقات خلاف اینها بود (گیگن گیوالت و فروئن<sup>۱</sup> ... ۱۹۹۴ ، گدن زی<sup>۱</sup> ، ۱۹۹۴ ، برنارد<sup>۱۱</sup> ، ۱۹۹۱) و نشان داد که این زنها هیچ نوع تفاوت قابل ذکری با زنهای دیگر ندارند. علت خشونت ، نه در ویژگیهای آنها بلکه در ویژگیهای شوهرانشان است. مردانی که همسر خود را کتک می زنند ، عموماً در رفتار اجتماعی ناسازگارند ( هات الینگ<sup>۱۲</sup> ، ۱۹۸۶). در بررسی های روانشناسی روشن شده است که همه آنها ، در دوران کودکی و نوجوانی در محیطی زندگی می کردند که اعمال خشونت چه در حیطه خانوادگی و چه در محیط همسایگان رواج داشته است و اغلب شاهد صحنه های کتک خوردن مادر خود بوده اند (فینکل هر<sup>۱۳</sup> ، ۱۹۸۸).

طبق آمار، ۸۰ تا ۹۰ درصد زنانی که از دست شوهران خود فرار کرده و به دنبال سر پناهی بودند و ۶۰ درصد زنانی که به پلیس مراجعه کردند جراحات و زخمهای عمیق داشته اند.

در دنیای امروز مسئله زنان جدای از مسائل کل جامعه بشری نبوده و هر گونه رفتار خشن ، تبعیض آمیز و زورگویانه و یا رفتاری که ناقض حقوق زن به عنوان یک انسان باشد ، محکوم و غیر اخلاقی بشمار می آید (احمدی و خراسانی ، ۱۳۷۸ ، ص ۵). دکتر اعلم الهدایی معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور ، خشونت علیه زنان را ناشی از تفکر

۱- Gegen Gewalt An Frauen...

۲- Godenzi

۳- Bernard

۴- Hotaling

۵- finkelhor

متاع پنداشتن زن ، استفاده ابزاری از او و اولی دانستن جنس مرد دانست. وی همچنین اظهار داشت بی سوادی و جهل ، غفلت از آموز و توصیه های دینی ، بی اطلاعی زنان از حقوق اجتماعی ، پایبندی و اعتقاد به رسوم و قوانین طایفه ای ، خلاء حمایت والدین از زن مطلقه ، نداشتن پایگاه اجتماعی و حمایتی ، نقض قانون ، هراس از انتقام گیری شوهر ، ترس از متلاشی شدن کانون خانواده و جدایی از فرزندان ، آبرو داری ، امید به بهبود و اصلاح رفتار همسر ، ترس از فقدان حمایت های قانونی و اجتماعی ، فقدان پشتوانه اقتصادی و تأمین اجتماعی دلایلی است که سبب می شود زنان

در استانهای مختلف کشور بخصوص خوزستان ، کردستان سیستان و بلوچستان ، گلستان و ..... پذیرای خشونت همسران خود باشند ( خیرگزاری دانشجویان ایران ، ۱۳۸۲/۸/۱۷ ) . خشونت نسبت به زنان محدود به خشونت بدنی نیست بلکه هر نوع رفتاری که مرد به قصد اثبات قدرت برای نظارت بر زن داشته باشد خشونت است. خشونت فیزیکی شامل انواع بد رفتاریها چون هل دادن ، لگد زدن ، ضربه زدن ، کشیدن موی سر ، سوزاندن ، شلاق زدن ، اذیت و آزار رساندن و ..... می شود ( بوکر<sup>۱۴</sup> ۱۹۸۸ ، برنارد<sup>۱۵</sup> ۱۹۹۴ ) . خشونت روانی شامل بد رفتاری کلامی و عاطفی مثل تمسخر در جمع ، تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری ، دشنام و ناسزا که نتیجه آن از بین رفتن اعتماد به نفس و به هم خوردن تعادل روانی و پیدایش تصورات واهی و تمایل به خودکشی می شود. تحقیقات ، انواع دیگر خشونتها مانند ممنوعیت ملاقات با دوستان و خویشاوندان ، حبس کردن زن در خانه ، قطع کردن تلفن ( خشونت اجتماعی ) ، خشونت اقتصادی ، خشونت جنسی و ..... گزارش می دهد ( بورکنر<sup>۱۶</sup> ، ۱۹۸۳ و هندسی<sup>۱۷</sup> ، ۱۹۹۲ )

دلایل ضرورت انجام پژوهش از این جهت است که انسان طی قرنهای اخیر از خشونت آسیب دیده و تحقیر شده است. خشونت پنهان و آشکار علیه زنان و اشکال مختلف فرهنگی ،

۱۴- Bowker

۱۵- Bernard

۱۶- Burckner

۱۷- Hendessi

اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی این خشونت‌ها که بخشی ریشه در فرهنگ و سنت دارد و بخشی حاصل تداوم تبعیض علیه زنان در ساختار حقوقی ، اقتصادی و سیاسی جامعه است : نظر بر این است که شاید تداوم خشونت در ساختارهای غیرفرهنگی نیز خود فرایندی از ساختار فرهنگی است که مردم و جامعه را به جای آنکه وادار به پذیرش این اشکال از خشونت می‌کند. نه فقط در ایران بلکه در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان ، زنان و کودکان از تبعضات و عوارض ناشی از خشونت ، به خصوص در زندگی خانوادگی رنج می‌برند و آزارهای جسمی و جنسی و روانی نه تنها تندرستی سلامت عقل ، تعادل عاطفی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد بلکه دولت‌ها را با مشکلات گوناگون اقتصادی ، فرهنگی و خدماتی درگیر می‌کند. لذا انجام تحقیقات در این زمینه از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد.

هدف کلی این تحقیق بررسی نوع و عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان می‌باشد. اهداف فرعی تحقیق عبارتند از اینکه آیا عوامل اقتصادی ( مالی ) ، فرهنگی / مذهبی ، عوامل مربوط به دخالت‌های خانواده زوجین و رفتار زن و شوهر ، عوامل مربوط به تربیت کودکان ، عوامل روانشناختی ، عدم حمایت قانونی و اجتماعی و عوامل مربوط به کوتاهی در امور منزل در خشونت علیه زنان توسط شوهران مؤثر است یا خیر؟ در ضمن تمامی متغیرهای فوق از نظر وضعیت تحصیلی ، سن ، گروه شغلی ، تعداد فرزندان ، تعداد سالهای زندگی زناشویی و منطقه زندگی نیز مورد مقایسه و بررسی قرار خواهد گرفت. پرسشهای پژوهش حاضر عبارتند از :

الف - انواع خشونت خانگی علیه زنان کدامند ؟

ب - عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان کدامند ؟

فرضیات این تحقیق عبارت است از :

در جهت پاسخگویی به پرسش دوم پژوهش فرضیاتی به شرح زیر مطرح گردید.

۱ - عوامل اقتصادی ( مالی ) در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

۲- عوامل مربوط به فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

۳- عوامل مربوط به دخالت‌های خانواده زوجین و عوامل شخصیتی زن و شوهر در خشونت علیه زنان مؤثر است.

۴- عوامل روانشناختی در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

۵- عوامل مربوط به کوتاهی در امور منزل در خشونت علیه زنان مؤثر است.

۶- عوامل مربوط به تربیت کودکان در خشونت علیه زنان مؤثر است.

۷- عوامل فرهنگی و مذهبی در خشونت علیه زنان مؤثر است.

در ضمن عوامل فوق از نظر وضعیت تحصیلی، سن، شغل، تعداد فرزندان، تعداد سال‌های زندگی و منطقه زندگی نیز مورد مقایسه قرار خواهند گرفت.

## ● روش پژوهش

روش این تحقیق با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن روش توصیفی - علی یا پس رویدادی خواهد بود. روش توصیفی از این جهت که پژوهشگر سعی دارد تا آنچه را که هست بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایج عینی از موقعیت بگیرد. یعنی انواع خشونت‌های موجود و رایج در جامعه را توصیف نماید. علی از این جهت که یک معضل اجتماعی یعنی خشونت خانگی علیه زنان در جامعه مورد بررسی وجود دارد و غیر قابل انکار است و پژوهشگر بدنبال کشف علل رخداد این معضل می باشد. جامعه آماری در پژوهش حاضر کلیه زنان متأهل قبایل ترکمن در استان گلستان می باشد.

حجم نمونه بر اساس جدول مورگان که در آن برای جامعه‌ی بالاتر از صد هزار نفر ۳۸۴ نفر پیشنهاد شده است، محقق ۴۰۰ نفر از زنان متأهل قبایل ترکمن استان گلستان را برای انجام پژوهش حاضر از بین جامعه آماری انتخاب نمود. در این تحقیق از دو روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌ای - تصادفی جهت انتخاب نمونه مورد نظر استفاده گردید. ابتدا استان گلستان به چهار منطقه جغرافیایی شرقی، غربی، مرکزی و شمالی تقسیم شد (روش

خوشه ای) ( نادری و سیف نراقی ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۶۹ ) و از هر منطقه یک شهر و سه روستا به حکم قرعه انتخاب گردید سپس از بین شهرها و روستاها با توجه به نسبت جمعیت ساکن در آنها ( روش طبقه ای ) ( دلاور ، ۱۳۷۰ ، ص ۳۵۷ ) ۴۰۰ نفر نمونه مورد نظر ( ۲۸۰ نفر از مناطق شهری و ۱۲۰ نفر از مناطق روستایی ) با روش تصادفی انتخاب شد.

برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از ۲ پرسشنامه بسته پاسخ محقق ساخته ( مقیاس درجه بندی ) براساس طیف لیکرت ( ۴ گزینه ای ) استفاده گردید. پرسشنامه فرم ۱ جهت مشخص کردن انواع خشونت‌های رایج و پرسشنامه فرم ۲ جهت بررسی عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان مورد استفاد قرار گرفت. برای اطمینان از مفید و مناسب بودن پرسشنامه از روایی محتوایی و برای محاسبه دقت پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای اطمینان از مفید و مناسب بودن پرسشنامه از روایی محتوایی ( سیف ، ۱۳۷۸ ، ص ۳۷۹ ) استفاده گردید. بدین صورت پرسشنامه پس از طرح و تنظیم در اختیار اساتید ، متخصصین و کارشناسان قرار گرفت تا در مورد مناسب یا نامناسب بودن سؤالات پرسشنامه در ارتباط با اهداف و فرضیه های پژوهش نظر دهند. در پرسشنامه فقط سؤالهایی گنجانده شد که توسط افراد فوق مناسب تشخیص داده شده بود و سؤالهایی نامناسب حذف گردید.

برای محاسبه دقت و پایایی پرسشنامه ( سیف ، ۱۳۷۸ ، ص ۴۰۹ ) از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. بدین صورت که پرسشنامه پس از تایید روایی آن، بین ۲۵ زن متاهل که بصورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند اجرا و نمره گذاری گردید و سپس با نرم افزار SPSS ضریب پایایی آن محاسبه شد، که ضریب پایایی پرسشنامه فرم ۱ برابر با  $0/746 = \alpha$  و پرسشنامه فرم ۲ برابر با  $0/813 = \alpha$  بود. تکنیک های آماری مورد استفاده در پژوهش حاضر عبارتند از آمار توصیفی ، جهت توصیف داده ها مورد استفاده قرار گرفت که شامل تنظیم جداول فراوانی ، رسم نمودار و محاسبات درصد می باشد و آمار استنباطی ، جهت آزمون فرضیه های تحقیق مورد استفاده قرار گرفت، که شامل آزمون غیر پارامتریک مجذور خی (  $\chi^2$  ) تک متغیره و چند متغیره می باشد. تمام محاسبات آماری در پژوهش حاضر با نرم افزار کامپیوتری SPSS انجام پذیرفت.



● تجزیه و تحلیل اطلاعات

الف - پرسش اول: انواع خشونت خانگی علیه زنان کدامند؟

جدول شماره ۱: فراوانی درصدی پاسخگویان در ارتباط با پرسش اول پژوهش (نوع خشونت)

Sig.	X <sup>۲</sup>	d.f.	جمع	مرکز	بندرت	کلامی	اغلب	نوع خشونت
.۰۰۰۰	۱۱۵/۸۸	۳	۴۰۰	۳۷	۸۰	۹۸	۱۸۵	Fo
			۱۰۰	۹/۲۵	۲۰	۱۶/۵	۱۷/۲۵	%
.۰۰۰۱	۱۵/۹۲	۳	۴۰۰	۸۰	۸۱	۱۰۹	۱۳۰	Fo
			۱۰۰	۲۰	۲۱	۱۶/۵	۳۷/۵	%
.۰۰۰۰	۲۱/۷۱	۳	۴۰۰	۶۴	۹۵	۱۶۳	۹۸	Fo
			۱۰۰	۱۶	۲۳/۵	۳۵/۵	۱۶/۵	%
.۰۰۰۰	۵۸/۲۲	۳	۴۰۰	۶۵	۸۶	۱۲۱	۱۶۵	Fo
			۱۰۰	۱۱/۵	۲۱/۵	۲۱	۳۶/۵	%
.۰۰۰۰	۳۲/۵۸	۳	۴۰۰	۷۰	۱۰۳	۱۶۵	۸۲	Fo
			۱۰۰	۱۷/۵	۲۵/۵	۳۶/۵	۲۰/۵	%
.۰۰۰۰	۵۷/۲۲	۳	۴۰۰	۴۸	۹۱	۱۰۴	۱۵۱	Fo
			۱۰۰	۱۲	۲۳/۵	۱۶	۳۸/۵	%
.۰۰۰۱	۹/۲۶	۳	۴۰۰	۷۱	۱۰۵	۱۱۲	۱۰۹	Fo
			۱۰۰	۱۸/۵	۱۷/۲۵	۱۸	۲۷/۲۵	%

نتایج جدول فوق نشان می دهد که ( ۶۷/۲۵ ) درصد پاسخگویان معتقد هستند که خشونت کلامی اغلب توسط همسرانشان علیه آنان اعمال می شود. خشونت عاطفی با ( ۳۸/۵ ) درصد، خشونت مالی با ( ۳۶/۲۵ ) درصد، خشونت جسمی با ( ۳۲/۵ ) درصد، خشونت اجتماعی با ( ۲۷/۲۵ ) درصد، خشونت جنسی با ( ۲۴/۵ ) درصد، و خشونت معنوی ( فرهنگی ) با ( ۲۰/۵ ) درصد از انواع خشونت های رایج از دید پاسخگویان در منطقه هستند که در رده های بعدی نسبت به خشونت کلامی قرار دارند. جدول همچنین X<sup>۲</sup> محاسبه شده برای هر یک از خشونت های رایج را نیز نشان می دهد که همگی در سطح ۹۹ درصد

به لحاظ آماری معنی دار می باشند بجز خشونت اقتصادی که در سطح ۹۵ درصد معنی دار می باشد.

ب - پرسش دوم: عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان کدامند؟  
فرضیه اول: عوامل اقتصادی (مالی) در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

جدول شماره ۲: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه اول

Sig.	$X^2$	df	جمع	خ کم	کم	زیاد	خ زیاد	گزینه
								فراوانی
۰/۰۰۰	۵۴/۶۶	۳	۴۰۰	۴۵	۹۶	۱۱۱	۱۴۸	Fo
			۱۰۰	۱۱۰/۲۵	۲۴	۲۷/۷۵	۳۷	درصد

جدول فوق حاکی از این است که ۶۴/۷۵ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل مالی را در خشونت خانگی علیه زنان خیلی زیاد و زیاد توصیف کرده اند و ۳۵/۲۵ درصد پاسخگویان تاثیر این عامل را در خشونت کم و خیلی کم بیان نموده اند. و چون  $X^2$  محاسبه شده (  $\chi^2 = ۵۴/۶۶$  ،  $df = ۳$  ،  $p < 0.000$  ) از مقدار بحرانی جدول (۱۱/۳۵) بزرگتر است، بنابراین تفاوت بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار به لحاظ آماری معنادار می باشد. لذا فرضیه صفر رد و فرضیه خلاف مورد تایید است یعنی عوامل مالی در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر بوده است.

جدول شماره ۳: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه اول

به تفکیک ویژگیهای فردی

احتمال	$X^2$ / ۰/۰۵ جدول در سطح	df	$X^2$ محاسبه شده	ویژگیهای فردی
$P < .۰۵$	۹/۴۸	۴	۱۰/۶۳*	میزان تحصیلات
$P > .۰۵$	۷/۸۱	۳	۵/۳۸	وضعیت شغلی
$P > .۰۵$	۱۲/۵۹	۶	۳/۷۲	گروه سنی
$P > .۰۵$	۱۲/۵۹	۶	۴/۸	سالهای زندگی زناشویی
$P < .۰۵$	۹/۴۸	۴	۱۱/۴۶*	تعداد فرزند
$P > .۰۵$	۳/۸۴	۱	۱/۸۹	محل زندگی

مقایسه نگرش پاسخگویان در ارتباط با تأثیر عوامل مالی بر خشونت خانگی علیه زنان به تفکیک وضعیت شغلی، گروه سنی، تعداد سالهای زندگی زناشویی و محل زندگی نشان داد که تفاوت معنی داری وجود ندارد اما بین نگرش پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات و تعداد فرزندان رابطه معنی داری نشان داد.

فرضیه دوم: عوامل مربوط به فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

جدول شماره ۴: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه دوم

Sig.	$X^2$	df	جمع	خ کم	کم	زیاد	خ زیاد	گزینه
								فراوانی
۰/۰۰۰	۶۱/۸	۳	۴۰۰	۵۷	۸۱	۹۹	۱۶۳	Fo
			۱۰۰	۱۴،۲۵	۲۰،۲۵	۲۴،۷۵	۴۰،۷۵	درصد

جدول فوق بیانگر این است که ۶۵/۵ درصد پاسخگویان تأثیر فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی را در خشونت خانگی علیه زنان خیلی زیاد و زیاد توصیف کرده اند و ۳۴/۵ درصد پاسخگویان تأثیر این عامل را در خشونت کم و خیلی کم بیان نموده اند. و چون  $X^2$  محاسبه شده (  $p < 0.000$  ،  $df = 3$  ،  $\chi^2 = 61.8$  ) از مقدار بحرانی جدول (۳۵/۱۱) بزرگتر است، بنابراین تفاوت بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار به لحاظ آماری معنادار می باشد. لذا می توان نتیجه گیری کرد که فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی از زنان در خشونت علیه زنان مؤثر بوده است.

جدول شماره ۵: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه دوم به تفکیک ویژگیهای فردی

احتمال	$X^2$ جدول در سطح ۰.۰۵	df	$X^2$ محاسبه شده	ویژگیهای فردی
$P < ۰.۰۵$	۹/۴۸	۴	۱۲/۴۷*	میزان تحصیلات
$P > ۰.۰۵$	۷/۸۱	۳	۱/۳۹	وضعیت شغلی
$P > ۰.۰۵$	۱۲/۵۹	۶	۵/۲۳	گروه سنی
$P > ۰.۰۵$	۱۲/۵۹	۶	۴/۱۴	سالهای زندگی زناشویی
$P > ۰.۰۵$	۹/۴۸	۴	۲/۵۸	تعداد فرزند
$P > ۰.۰۵$	۳/۸۴	۱	۰/۹۲	محل زندگی

در ارتباط با تأثیر عدم حمایت قانونی و اجتماعی بر خشونت خانگی علیه زنان به تفکیک ویژگیهای فردی پاسخگویان تفاوت معنی داری بین نگرش آنان وجود نداشت به جز میزان تحصیلات که تفاوت معنی دار بود.

فرضیه سوم: عوامل مربوط به دخالت خانواده زوجین و عوامل شخصیتی زن و شوهر در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

جدول شماره ۶: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه سوم

Sig.	$X^2$	df	جمع	خ کم	کم	زیاد	خ زیاد	گزینه
								فراوانی
۰/۰۰۰	۱۳۵/۳	۳	۴۰۰	۳۶	۵۷	۱۲۳	۱۸۴	Fo
			۱۰۰	۹	۱۴،۲۵	۳۰،۷۵	۴۶	درصد

جدول فوق نشانگر این است ۷۶/۷۵ درصد پاسخگویان تأثیر دخالت خانواده های زوجین و عوامل شخصیتی زن و شوهر را در خشونت خانگی علیه زنان خیلی زیاد و زیاد توصیف کرده اند و ۲۳/۲۵ درصد پاسخگویان تأثیر این عامل را در خشونت خانگی علیه زنان کم و خیلی کم بیان نموده اند.

و چون  $X^2$  محاسبه شده ( $p(0.000)$ ،  $df = 3$ ،  $\chi^2 = 135/3$ ) از مقدار بحرانی جدول (۱۱/۳۵) بزرگتر است، بنابراین تفاوت بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار به لحاظ آماری معنادار می باشد. لذا می توان چنین استنباط کرد که دخالت خانواده های زوجین و عوامل شخصیتی زن و شوهر در خشونت خانگی علیه زنان تاثیرگذار بوده است.

جدول شماره ۷: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه سوم به تفکیک ویژگیهای فردی

ویژگیهای فردی	$X^2$ محاسبه شده	df	جدول در سطح ۰.۰۵ $X^2$	احتمال
میزان تحصیلات	۹/۷۶	۴	۹/۴۸	$P < ۰.۰۵$
وضعیت شغلی	۸/۳۶	۳	۷/۸۱	$P < ۰.۰۵$
گروه سنی	۱۷/۷	۶	۱۲/۵۹	$P < ۰.۰۵$
سالهای زندگی زناشویی	۷/۶۸	۶	۱۲/۵۹	$P > ۰.۰۵$
تعداد فرزند	۳/۹	۴	۹/۴۸	$P > ۰.۰۵$
محل زندگی	۱/۸۷	۱	۳/۸۴	$P > ۰.۰۵$

بین نگرش پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات، وضعیت شغلی و گروه سنی در تأثیر دخالت والدین زوجین و ویژگیهای شخصیتی زن و شوهر بر خشونت خانگی علیه زنان تفاوت معنی داری وجود داشت ولی به تفکیک تعداد سالهای زندگی زناشویی، تعداد فرزندان و محل زندگی تفاوتی بین نگرش پاسخگویان وجود نداشت.

فرضیه چهارم: عوامل روانشناختی در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

جدول شماره ۸: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه چهارم

Sig.	$X^2$	df	جمع	خ کم	کم	زیاد	خ زیاد	گزینه
								فراوانی
.۰/۰۰۰	۱۹/۳	۳	۴۰۰	۷۲	۸۹	۱۰۸	۱۳۱	Fo
			۱۰۰	۱۸	۲۲،۲۵	۲۷	۳۲،۷۵	درصد

جدول فوق حاکی از این است که ۵۹/۷۵ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل روانشناختی را در خشونت خانگی علیه زنان خیلی زیاد و زیاد توصیف کرده اند و ۴۰/۲۵ درصد پاسخگویان تاثیر این عامل را در خشونت کم و خیلی کم بیان نموده اند. و چون  $X^2$  محاسبه شده (  $p < 0.000$  ،  $df = 3$  ،  $\chi^2 = 19.3$  ) از مقدار بحرانی جدول ( ۱۱/۳۵ ) بزرگتر است، بنابراین تفاوت بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار به لحاظ آماری معنادار می باشد. لذا می توان چنین استنباط کرد که عوامل روانشناختی در خشونت علیه زنان مؤثر بوده است.

جدول شماره ۹: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه چهارم به تفکیک ویژگیهای فردی

احتمال	$X^2$ محاسبه شده	جدول در سطح ۰.۰۵	df	ویژگیهای فردی
$p > ۰/۰۵$	۴/۲۳	۹/۴۸	۴	میزان تحصیلات
$p < ۰/۰۵$	۸/۱۸	۷/۸۱	۳	وضعیت شغلی
$p < ۰/۰۵$	۱۵/۷۴	۱۲/۵۹	۶	گروه سنی
$p > ۰/۰۵$	۷/۶۳	۱۲/۵۹	۶	سالهای زندگی زناشویی
$p > ۰/۰۵$	۳/۴۹	۹/۴۸	۴	تعداد فرزند
$p > ۰/۰۵$	۱/۵۱	۳/۸۴	۱	محل زندگی

بین نگرش پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات ، تعداد سالهای زندگی زناشویی ، تعداد فرزندان و محل زندگی در ارتباط با تأثیر عوامل روانشناختی بر خشونت علیه زنان تفاوت معنی داری وجود نداشت اما به تفکیک وضعیت شغلی و گروه سنی بین نگرش پاسخگویان تفاوت معنی داری وجود داشت.

فرضیه پنجم : عوامل مربوط به کوتاهی در امورات خانه در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

جدول شماره ۱۰ : تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه پنجم

Sig.	X <sup>۲</sup>	df	جمع	خ		زیاد		گزینه
				کم	کم	زیاد	خ زیاد	فراوانی
۰/۰۰۰	۱۰۱/۹۴	۳	۴۰۰	۳۰	۷۸	۱۲۹	۱۶۳	Fo
			۱۰۰	۷۰۵	۱۹۰۵	۳۲۰۲۵	۴۰۰۷۵	درصد

جدول فوق بیانگر این است که ۷۳ درصد پاسخگویان تأثیر عوامل مربوط به کوتاهی در امورات خانه را در خشونت خانگی علیه زنان خیلی زیاد و زیاد توصیف کرده اند و ۲۷ درصد پاسخگویان تأثیر این عامل را در خشونت کم و خیلی کم بیان نموده اند. و چون  $X^2$  محاسبه شده (  $p < 0.000$  ،  $df = 3$  ،  $\chi^2 = 101.94$  ) از مقدار بحرانی جدول ( ۳۵ / ۱۱ ) بزرگتر است، بنابراین تفاوت بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار به لحاظ آماری معنادار می باشد. لذا می توان چنین نتیجه گیری کرد که عوامل مربوط به کوتاهی در امورات خانه در خشونت علیه زنان مؤثر بوده است.

جدول شماره ۱۱: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه پنجم به تفکیک ویژگیهای فردی

ویژگیهای فردی	$X^2$ محاسبه شده	df	جدول در سطح ۰/۰۵ $X^2$	احتمال
میزان تحصیلات	۲/۸۶	۴	۹/۴۸	$p > ۰/۰۵$
وضعیت شغلی	۷/۹۹	۳	۷/۸۱	$p < ۰/۰۵$
گروه سنی	۸/۴۷	۶	۱۲/۵۹	$p > ۰/۰۵$
سالهای زندگی زناشویی	۴/۳	۶	۱۲/۵۹	$p > ۰/۰۵$
تعداد فرزند	۱۱/۲۱	۴	۹/۴۸	$p < ۰/۰۵$
محل زندگی	۴/۷۶	۱	۳/۸۴	$p < ۰/۰۵$

در ارتباط با تأثیر کوتاهی در امور خانه در خشونت علیه زنان به تفکیک وضعیت شغلی، تعداد فرزندان و محل زندگی بین نگرش پاسخگویان تفاوت معنی داری وجود داشت در صورتی که از نظر میزان تحصیلات، گروه سنی و تعداد سالهای زندگی زناشویی تفاوتی بین نگرش پاسخگویان وجود نداشت.

فرضیه ششم: عوامل مربوط به تربیت فرزندان در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

جدول شماره ۱۲: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه ششم

Sig.	$X^2$	df	جمع	خ کم	کم	زیاد	خ زیاد	گزینه
								فراوانی
۰/۰۰۰	۴۰/۴۶	۳	۴۰۰	۵۸	۱۰۳	۱۴۷	۹۲	Fo
			۱۰۰	۱۴۰	۲۵،۷۵	۳۶،۷۵	۲۳	درصد

جدول فوق نشانگر این است که ۵۹/۷۵ درصد پاسخگویان تأثیر عوامل مربوط به تربیت فرزندان را در خشونت خانگی علیه زنان خیلی زیاد و زیاد توصیف کرده اند و ۲۵/۴۰ درصد پاسخگویان تأثیر این عامل را در خشونت کم و خیلی کم بیان نموده اند. و چون  $X^2$  محاسبه شده ( $p < 0.000$ ،  $df = 3$ ،  $\chi^2 = 40.46$ ) از مقدار بحرانی جدول



(۱۱/۳۵) بزرگتر است بنابراین تفاوت بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار به لحاظ آماری معنادار می باشد. لذا می توان چنین استنباط کرد که عوامل مربوط به تربیت فرزندان در خشونت علیه زنان تاثیر گذار بوده است.

جدول شماره ۱۳: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه ششم به تفکیک ویژگیهای فردی

ویژگیهای فردی	$X^2$ محاسبه شده	Df	جدول در سطح ۰.۰۵ $X^2$	احتمال
میزان تحصیلات	۱/۵۳	۴	۹/۴۸	$P > ۰.۰۵$
وضعیت شغلی	۸/۳۲	۳	۷/۸۱	$P < ۰.۰۵$
گروه سنی	۳/۷۸	۶	۱۲/۵۹	$P > ۰.۰۵$
سالهای زندگی زناشویی	۵/۴۱	۶	۱۲/۵۹	$P > ۰.۰۵$
تعداد فرزند	۱۰/۱۷	۴	۹/۴۸	$P < ۰.۰۵$
محل زندگی	۰/۶۴	۱	۳/۸۴	$P > ۰.۰۵$

بین نگرش پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات، گروه سنی، تعداد سالهای زندگی زناشویی و محل زندگی در ارتباط با تأثیر کوتاهی در تربیت فرزندان بر خشونت خانگی علیه زنان تفاوت معنی داری وجود نداشت اما به تفکیک وضعیت شغلی و تعداد فرزندان بین نگرش پاسخگویان تفاوت معنی داری وجود داشت.

فرضیه هفتم: عوامل فرهنگی و مذهبی در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است.

جدول شماره ۱۴: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه هفتم

Sig.	$X^2$	df	جمع	خ کم	کم	زیاد	خ زیاد	گزینه
								فراوانی
۰/۰۰۰	۲۵/۲۶	۳	۴۰۰	۶۵	۹۲	۱۳۴	۱۰۹	Fo
			۱۰۰	۱۶،۲۵	۲۳	۳۳،۵	۲۷،۲۵	درصد

جدول فوق حاکی از این است که ۶۰/۷۵ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل فرهنگی / مذهبی را در خشونت خانگی علیه زنان خیلی زیاد و زیاد توصیف کرده اند و ۳۹/۲۵ درصد پاسخگویان تاثیر این عامل را در خشونت کسم و خیلی کم بیان نموده اند. و چون  $X^2$  محاسبه شده (  $p < 0.000$  ،  $df = 3$  ،  $\chi^2 = 25/26$  ) از مقدار بحرانی جدول ( ۳۵ / ۱۱ ) بزرگتر است، بنابراین تفاوت بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار به لحاظ آماری معنادار می باشد. لذا می توان چنین استنباط کرد که عوامل فرهنگی / مذهبی در خشونت علیه زنان مؤثر بوده است.

جدول شماره ۱۵: تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به فرضیه هفتم به تفکیک ویژگیهای فردی

ویژگیهای فردی	$X^2$ محاسبه شده	df	جدول در سطح ۰.۰۵	احتمال
میزان تحصیلات	۹/۷۳	۴	۹/۴۸	$P < 0.05$
وضعیت شغلی	۳/۶۷	۳	۷/۸۱	$P > 0.05$
گروه سنی	۱۵/۳۴	۶	۱۲/۵۹	$P < 0.05$
سالهای زندگی زناشویی	۷/۴۹	۶	۱۲/۵۹	$P > 0.05$
تعداد فرزند	۲/۶۱	۴	۹/۴۸	$P > 0.05$
محل زندگی	۱/۷	۱	۳/۸۴	$P > 0.05$

بین نگرش پاسخگویان در ارتباط با تأثیر عوامل فرهنگی / مذهبی بر خشونت خانگی

علیه زنان به تفکیک میزان تحصیلات و گروه سنی تفاوت معنی داری وجود داشت در صورتی که از نظر وضعیت شغلی، تعداد سالهای زندگی زناشویی، تعداد فرزندان و محل زندگی تفاوتی بین نگرش پاسخگویان وجود نداشت.

## ● بحث و نتیجه گیری

نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات در ارتباط با پرسشهای مورد بررسی در پژوهش حاضر بشرح زیر طبقه بندی گردید.

پرسش اول که در ارتباط با خشونتهای خانگی رایج علیه زنان در منطقه کدامند بود، نتایج پژوهش نشان داد که ۴۶/۲۵ درصد زنان قبایل ترکمن توسط همسرانشان اغلب مورد خشونت کلامی قرار می گیرند. خشونت عاطفی با ۳۸/۵ درصد، خشونت مالی با ۳۶/۲۵ درصد، خشونت جسمی با ۳۲/۵ درصد، خشونت اجتماعی با ۲۷/۲۵ درصد، خشونت جنسی با ۲۴/۵ درصد و خشونت معنوی ( فرهنگی ) با ۲۰/۵ درصد از خشونتهای رایج از دید گاه پاسخگویان در منطقه هستند که در رده های بعدی نسبت به خشونت کلامی قرار دارند ( جدول شماره ۱ ).

پرسش دوم که در مورد عوامل مؤثر در خشونت خانگی علیه زنان کدامند می باشد، با هفت فرضیه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بشرح زیر است.

فرضیه اول که عوامل مالی را در خشونت خانگی علیه زنان بررسی می کرد با فاکتورهای نظیر عدم تأمین نیازها، ندادن پول، ولخرجی، کمک نکردن در کار کشاورزی، دامداری، قالیبافی و .... مورد بررسی قرار گرفت.  $X^2$  محاسبه شده به لحاظ آماری معنی دار بود ( جدول شماره ۲ ) و فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار گرفت که بیانگر تأثیر عوامل مالی در خشونت خانگی علیه زنان می باشد. نتایج همچنین نشان داد که نگرش یکسانی در ارتباط با تأثیر عوامل مالی در بین پاسخگویان به تفکیک وضعیت شغلی، گروه سنی، تعداد سالهای زندگی زناشویی و محل زندگی وجود دارد. در صورتی که نگرش آنان به تفکیک میزان تحصیلات و تعداد فرزندان متفاوت بود ( جدول شماره ۳ ).

فرضیه دوم فقدان حمایتهای قانونی و اجتماعی از زنان بود که با فاکتورهایی مانند نداشتن پایگاه اجتماعی و حمایتی، نقض قانون، خلاء حمایت والدین از زن مطلقه،

بی اطلاعی زنان از حقوق اجتماعی، ترس از متلاشی شدن کانون خانواده، ترس جدایی از فرزندان، آبروداری، ترس از فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی و ..... مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و  $X^2$  محاسبه شده به لحاظ آماری معنی دار بود (جدول شماره ۴) و فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار گرفت که نشانگر تأثیر فقدان حمایت‌های قانونی و اجتماعی از زنان در خشونت خانگی علیه زنان می باشد.

مقایسه نتایج همچنین مشخص کرد که نگرش یکسانی در ارتباط با تأثیر فقدان حمایت قانونی و اجتماعی از زنان بر خشونت خانگی علیه آنان در بین پاسخگویان به تفکیک ویژگی‌های فردی وجود دارد بجز میزان تحصیلات که نگرش پاسخگویان متفاوت بود (جدول شماره ۵).

فرضیه سوم عوامل مربوط به دخالت‌های خانواده زوجین و عوامل شخصیتی زن و شوهر در خشونت خانگی علیه زنان بود که با فاکتورهایی چون عدم احترام به خانواده شوهر یا همسر، بدگویی در مورد خانواده زن یا شوهر، عدم استقبال از شوهر، ناسزا گفتن، لجبازی، بدخلقی، عصبانیت، فحاشی، اعتیاد، بی تفاوتی و ..... مورد بررسی قرار گرفت و نتایج  $X^2$  محاسبه شده نشان داد که به لحاظ آماری معنی دار است (جدول شماره ۶). بنابراین فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار گرفت یعنی عوامل مربوط به دخالت‌های خانواده زوجین و ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر می باشد. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که نگرش یکسانی در ارتباط با تأثیر این عامل در خشونت خانگی علیه زنان در بین پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات، وضعیت شغلی و گروه سنی وجود دارد اما نگرش پاسخگویان به تفکیک سالهای زندگی زناشویی، تعداد فرزندان و محل زندگی در تأثیر عامل مورد بررسی در خشونت علیه زنان متفاوت است (جدول شماره ۷).

فرضیه چهارم تأثیر عوامل روانشناختی در خشونت خانگی علیه زنان بود که با فاکتورهایی از قبیل حسادت، شک، سؤظن، تحقیر، تمسخر، غرور، تکبر، خودخواهی، تعصب و ..... مورد بررسی قرار گرفت و نتایج تحقیق مشخص کرد که  $X^2$  محاسبه

شده به لحاظ آماری معنی دار است (جدول شماره ۸). لذا فرضیه تحقیق مورد تأیید است یعنی عوامل روانشناختی در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر می باشد. نتایج مقایسه ای پژوهش همچنین نشان داد که نگرش یکسانی در ارتباط با تأثیر عوامل روانشناختی در خشونت علیه زنان در بین پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات، سالهای زندگی زناشویی، تعداد فرزندان و محل زندگی وجود دارد. در صورتی که نگرش پاسخگویان به تفکیک وضعیت شغلی و گروه سنی متفاوت می باشد (جدول شماره ۹).

فرضیه پنجم که عوامل مربوط به کوتاهی در امور منزل را در خشونت خانگی علیه زنان بررسی می کرد با فاکتورهایی چون عدم حضور در منزل، تعویض وسایل منزل، عدم رعایت بهداشت، عدم تدارک غذا، نظافت، نظم و مقررات و .... مورد آزمون قرار گرفت و  $X^2$  محاسبه شده به لحاظ آماری معنی دار بود (جدول شماره ۱۰). بنابراین فرضیه تحقیق مورد تأیید است یعنی اینکه عوامل مربوط به کوتاهی در امور منزل در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است. نتایج همچنین نشان داد که نگرش یکسانی در ارتباط با تأثیر این عامل در خشونت در بین پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات، گروه سنی و سالهای زندگی زناشویی وجود دارد. ولی بین نگرش پاسخگویان به تفکیک وضعیت شغلی، تعداد فرزندان و محل زندگی تفاوت معنی داری وجود دارد (جدول شماره ۱۱).

فرضیه ششم تأثیر عوامل مربوط به فرزندان در خشونت خانگی علیه زنان بود که با فاکتورهایی نظیر حمایت از فرزندان، بدخلقی با فرزندان، شیطنت بچه ها، عدم رسیدگی به امورات تحصیلی فرزندان، تأمین خواسته های نابجای فرزندان و ..... مورد بررسی قرار گرفت نتایج نشان داد که  $X^2$  محاسبه شده به لحاظ آماری معنی دار می باشد (جدول شماره ۱۲). لذا فرضیه پژوهش مورد تأیید است. بنابراین عوامل مربوط به فرزندان در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر می باشد. نتایج همچنین مشخص کرد که نگرش یکسانی در ارتباط با تأثیر عامل مورد بررسی در خشونت خانگی علیه زنان در بین پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات، گروه سنی، سالهای زناشویی و محل زندگی وجود دارد. اما

بین نگرش پاسخگویان به تفکیک وضعیت شغلی و تعداد فرزندان تفاوت معنی داری وجود دارد (جدول شماره ۱۳).

فرضیه هفتم که عوامل فرهنگی / مذهبی را در خشونت خانگی علیه زنان بررسی می کرد با فاکتورهایی چون تعصبات قومی، بی توجهی به مسائل مذهبی، عدم رعایت مسائل شرعی، عدم رعایت پوشش اسلامی، سخن گفتن با نامحرم و ..... مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که  $X^2$  محاسبه شده به لحاظ آماری معنی دار است (جدول شماره ۱۴). لذا فرضیه تحقیق مورد تأیید است یعنی عوامل فرهنگی / مذهبی در خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که نگرش یکسانی در ارتباط با تأثیر عامل مورد بررسی در خشونت علیه زنان در بین پاسخگویان تفکیک وضعیت شغلی، سالهای زندگی زناشویی، تعداد فرزندان و محل زندگی وجود دارد. در صورتی که بین نگرش پاسخگویان به تفکیک میزان تحصیلات و گروه سنی تفاوت معنی داری وجود دارد (جدول شماره ۱۵).

این پژوهش نشان داد که انواع مختلفی از خشونت های تعریف شده بر علیه زنان که براساس پژوهش های مختلف « بروکن، گروث، هالم استرم، سکروی ۱۹۷۸، کپیر ۱۹۹۴، پیتی ۱۹۸۹، پوگرین ۱۹۸۱، بوکر ۱۹۸۸، و برنادو ۱۹۹۴ و بورگنر ۱۹۸۳ و هندسی ۱۹۹۲ » در تعریف خشونت بر علیه زنان جای گرفته است در منطقه دیده می شود. معنی داری این موارد از نظر آماری نشان دهنده وجود این مسأله در بین قبایل ترکمن به عنوان یک موضوع خاص و قابل رسیدگی و بررسی می باشد. نکته قابل توجه در این پژوهش وجود خشونت کلامی و عاطفی (به ترتیب ۶۱/۲۵ و ۳۸/۵ درصد) به عنوان بالاترین نوع خشونت مؤید این مسأله است که سلامت روان و به عبارتی بهداشت روانی زنان این منطقه مورد آسیب و تهاجم قرار گرفته است.

در بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان، عوامل مالی، فقدان حمایت های قانونی و اجتماعی دخالت خانواده همسران، عوامل روانشناختی، کوتاهی در امور خانه، تربیت فرزندان و عوامل فرهنگی و مذهب، از موارد مؤثر در بروز خشونت بر علیه زنان

می باشد. به عبارتی چنین به نظر می رسد که در منطقه مورد مطالعه ، کلیه عواملی که ایجاد تنگناهای عاطفی روانی در خانواده می نماید، و مواردی که منجر به نارضایتی مردان در خانواده می گردد به خشونت بر علیه زنان ختم می گردد.

نتایج بدست آمده از این پژوهش هم خوان با پژوهش هات الینگ ، بوده و نشان داد که زنان در شرایط مختلف اجتماعی و اقتصادی هنوز مورد خشونت قرار می گیرند. این مطالعه در راستای نظرات دکتر اعلم الهدی که عوامل فرهنگی و مذهبی ، عوامل روانشناختی و فقدان حمایت های قانونی و اجتماعی را از عوامل مؤثر یافته است. در همین زمینه خبرگزاری دانشجویان ایران نیز به مواردی که در این پژوهش نتیجه گرفته شده است به عنوان عوامل مؤثر در خشونت بر علیه زنان در استان های مختلف از جمله استان گلستان اشاره نموده است. اما موضوع قابل توجه پس از نتیجه گیری از پژوهش حاضر طبعاً این است که در استان گلستان خشونت بر علیه زنان وجود دارد. رسیدگی به شرایط زنان و دختران ، آموزش زنان و مردان از طریق شبکه استانی ، پی گیری قانونی مسئله خشونت از طریق مراجع قانونی ، پی گیری قانونی هنگام مراجعه با زنانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند در مراکز درمانی حتی در صورت عدم شکایت زنان که معمولاً به علت ترس و نگرانی از خشونت های بعدی و به سبب عدم پشتیبانی جامعه، دولت، نهادها و سازمان ها انجام می گیرد ، از مواردی است که لازم است مد نظر قرار گیرد.



### منابع

- ابوت ، پاملا و کلروالاس ( ۱۳۷۶ ). در آمدی بر جامعه شناسی نگرشهای فمینیستی ، ترجمه مریم خرسانی و حمید احمدی ، تهران : دنیای مادر ، چاپ اول.
- اعزازی ، شهلا ( ۱۳۷۶ ). جامعه شناسی خانواده ، تهران : انتشارات روشنگران و مطالعات زنان ، چاپ اول.
- بست، جان ( ۱۳۷۳ ). مقدمات روش تحقیق در علوم تربیتی و روانشناسی، تهران : انتشارات رشد.

- دلاور ، علی ( ۱۳۶۸ ) . مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی ، تهران : انتشارات بدر ، ۱۳۶۸

- سیف ، علی اکبر ( ۱۳۷۸ ) . روشهای اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی ، تهران : نشر دوران ، چاپ سوم .
- کار ، مهرانگیز ( ۱۳۷۹ ) . پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران ، تهران : انتشارات روشنگران و مطالعات زنان ، چاپ اول .
- نادری ، عزت ا... ، سیف نراقی ، مریم ( ۱۳۸۰ ) . روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی ، تهران : انتشارات بدر ، چاپ نوزدهم .

- Burgess, A.W. Groth L. Holmstorm, & S. Sgroi .(1978). Sexual assault and adolscents. Lexington MA : Lxington books.
- \_ Finkelhor , David.(1988). Stopping Family Violonce, Research for the coming Decad. Beverly hills : Sage.
- \_ Gegen Gewalt an Kindern handeln.(1994). Wien : Bundes Kanzleramt und BMFF.
- \_ Godenzi, Alberto.1993 . Gewalt im sozialen Nahraum. Basel: Helling und Lichtenhahn.
- \_ Grunkungsenquete Bericht.(1994). Plattform gegen die Gewalt in der familie, Wien : Austria Center.
- \_ Hotaling, G., and D. Sugarman.(1986). “ An analysis of risk makers in husband to wife violence the current stage of Knowledge”, Violence and Victims, ۱. Pp. ۱۰۱-۱۲۴.
- \_ Kipper, Hanna.(1994). Sexueller Missbrauch im Diskurs. Weinheim: Deutsche Studien Verlag.
- \_ Petri, H.(1989). Erziehungsgewalt. Frankfurt : Suhrkamp.
- \_ Pogerin, Letty Cottin.(1981). Growing up free, Raising your child in the 80 's. New York : McGraw-Hill.
- \_ Schaefer, Richard, T.(1989). Sociologie. New York : McGraw-Hill.